

۱۳۳

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

تعارض آشکار

در مورد

همسران خیانت‌کار

۱۸ آسفند ۱۳۸۹

۱۴ (بیجع الثاني) ۱۴۳۲

تکشیر این جزو ه

با رعایت محتوا ، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلها الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

قال الله تبارك وتعالى :

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الْجُنُسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ^(۱)
تَطْهِيرًا﴾.

خداؤند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند
و کاملاً شما را پاک سازد.

چکیده سخن

از مباحث ذیل آیه‌ی شریف تطهیر، به این نتیجه رسیدیم که طبق نظر مفسرین شیعه و عامه، از جمله فخر رازی، «إذهاب رجس» به معنای از بین بردن آلوگی و نجاست، و «تطهیر» به معنای پوشانیدن لباس عصمت و کرامت است؛ همان طور که در اهل بیت ظاهر است، بعد از إذهاب رجس، تطهیر هم محقق شده است.

مطلوب دیگری که از فخر رازی نقل کردیم - که خلاف نظر مفسرین شیعه

است - این بود که واژه‌ی «اهل بیت» در آیه‌ی تطهیر، همسران پیامبر ﷺ رانیز شامل می‌شود . وی در پاسخ به اشکال مفسرین شیعه، مبنی براینکه اگر همسران پیامبر ﷺ، داخل در اهل بیت ایشان ﷺ هستند، پس چرا خداوند در این قسمت از آیه‌ی تطهیر ﴿عَنْكُمُ الرِّجُسَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُم﴾، از ضمائر مذکور به جای ضمائر مؤنث استفاده کرده است؟ چنین گفت: خداوند در این آیه، می‌خواهد همه‌ی مردان و زنان خاندان پیامبر ﷺ را مشمول حکم تطهیر قرار دهد . برای مقابله با این عقیده انحرافی، فخر رازی و سایر پیروان مکتب خلافت را در مقابل انبوهی از اشکالات و سؤالات قرار دادیم، تا هرگونه راه فرار و توجیه‌ی بر آنها بسته شود . برخی از این سؤالات عبارت‌انداز:

۱. اگر طبق نظر فخر رازی، افراد دیگری غیر از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ؑ، حضرت فاطمه‌ی زهرا ؑ، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین ؑ، داخل در اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ هستند، نام آنان چیست و چرا در متون روایی از آنان نامی برده نشده است؟!
۲. اگر عقیده‌ی اهل سنت، مبنی براینکه «افرادی غیر از خمسه‌ی طیبیه ؑ، در دایره‌ی اهل بیت قرار می‌گیرند» صحت داشته باشد، پس تکلیف این همه روایاتی که توسط بزرگ‌ترین علمای مذهب اهل سنت مانند بخاری، مسلم، احمد حنبل، نسائی، ترمذی، حاکم نیشابوری، فخر رازی و زمخشri، نقل شده و همگی حاکی از عمل و گفتار پیامبر اکرم ﷺ در انحصار «اهل بیت» در خمسه‌ی طیبیه ؑ بوده و بیانگر نفی ورود تمام احتمالات دیگر در این زمینه است، چه می‌شود؟!

۱. برای مطالعه‌ی متن کامل این روایات و سند آنها، به جزوی شماره ۱۳۱ و ۱۳۲ مراجعه کنید.

برای مثال، روایتی که علمای عامه از **أم المؤمنین** **أم سلمه** نقل کرده‌اند که ۱۳۴ «وقتی آیه‌ی تطهیر نازل شد، رسول الله ﷺ، غیر از خودشان، چهار نفر دیگر از اهل بیت‌شان، علی، فاطمه، حسن و حسین ؑ را زیرکسae قرار دادند و به درخواست **أم سلمه** که خواسته بود جزو «اهل بیت» محسوب شود، جواب منفی دادند و فرمودند: «تودر جایی که هستی بمان و داخل نشو، که تو همسر خوبی هستی؛ اما از اهل بیت من نیستی!»^(۱) چنین احادیثی چگونه با ادعای فخر رازی قابل جمع است؟!

۳. همان‌طور که قبل‌آنیز بیان کردیم «هنگامی که شخصی از خلیفه‌ی دوم، عمر بن خطاب، در مورد مصاديق اهل بیت سؤال کرد، او از جواب دادن خودداری کرده و سائل را به عایشه ارجاع داد. عایشه نیز مانند عمر، از پاسخ به سؤال سائل طفره رفته و او را به سوی **أم سلمه** فرستاد»^(۲) حال این سؤال مطرح است که آیا عایشه واقعاً از ماجراي «آیه‌ی تطهیر» و شأن نزول آن و نیز از افراد مشمول این آیه، اطلاعی نداشته که از جواب دادن خودداری کرد؟! عایشه به هر طریقی دنبال جعل فضیلت و مقام برای خودش بود تا از مقربان و محبوبان رسول الله ﷺ به شمار آید. وی حتی برای این کار، شخصیت رسول الله ﷺ را تنزل می‌داد؛ پس اگر طبق گفته‌ی عame، او داخل در دایره‌ی اهل بیت ؑ است، چرا به این فضیلت بزرگ، پشت پازده و از اعتراف به طهارت خودش، خودداری کرد؟! آیا مگر در صحیح بخاری، مسلم و سایر کتاب‌ها، این قصه‌ی دروغ از عایشه،

نقل نشده است که «وقتی عده‌ای رفاقت از حبشه به مدینه آمدند، چون عایشه کوتاه قد بود به همین خاطر، پیامبر اکرم ﷺ، او را بر دوش شان سوار کردند تا بتوانند رفاقت‌ها را تماشا کند؟!»^(۱)

آیا خود اهل سنت نقل نکرده‌اند: «چون عایشه در خانه‌ی پیامبر ﷺ، کم سن و سال بود، مشغول بازی با عروسک‌ها می‌شد و برای اینکه در بازی تنها نماند، پیامبر ﷺ دختران هم سن و سال عایشه را به بازی باوی تشویق می‌کردند؟!»^(۲).

آیا روایت دروغ دیگری با این مضمون: «عایشه می‌گوید: دو دختر در خانه من آوازه خوانی می‌نمودند و اشعار جنگ بُعاث^(۳) را می‌خواندند. رسول خدا ﷺ وارد گردیده و به بستر رفته و صورت خود را به آن سوگرداندند. در این هنگام ابوبکر آنان را به حال خودشان و اگذار^(۴)، منقول از عامه، نیست؟!

پس با این همه اشکال و ایرادی که در عایشه بود، آیا امکان دارد که بگوییم آیه‌ی

۱. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۲۲۸؛ صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ۲۲؛ السنن الکبری، جلد ۱۰، صفحه ۲۱۸؛ فتح الباری، جلد ۲، صفحه ۲۷۰؛ عمدة القاری، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۷.

۲. صحیح بخاری، جلد ۷، صفحه ۱۰۲؛ مسنند احمد، جلد ۶، صفحه ۵۷.

۳. جنگ و باغث آخرین جنگی است، که بین قبیله‌ی اوس و قبیله‌ی خزر جریان داشت؛ زیرا بعد از این جنگ، اسلام ظهور نمود و هر دو قبیله با یکدیگر صلح نمودند) (الکامل فی التاریخ، جلد ۱، صفحه ۶۸۰ و ۶۸۱).

۴. صحیح بخاری، جلد ۲، صفحه ۲؛ جلد ۳، صفحه ۲۲۸؛ صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ۲۲؛ السنن الکبری، جلد ۱۰، صفحه ۲۱۸.

۴. از همه مهم‌تر، این سؤال مطرح است که اگر شما پیروان مکتب اموی، قائل به دخول افراد دیگری غیر از پنج تن علیهم السلام، در دایره‌ی «اهل بیت» هستید و ادعای زایل شدن نجاست، پلیدی و گناه از آن‌ها را دارید و نیز عصمت و تطهیر دلهای آن‌ها و اینکه سراسر وجودشان نور است، در عقایدتان، نهفته است، با این وجود آیا این افراد (اعم از مردان و زنان بیگانه)، تا پایان عمرشان مرتکب هیچ لغزش و گناهی نشند؟! اگر جواب‌تان این باشد که گناه کرده‌اند، پس این اعتراض با آن تفسیر و استظهاری که از «آیه‌ی تطهیر» کرده‌اید، مغایرت دارد و نظر شما مبنی بر إذهاب رجس و طهارت کامل این افراد، پوج و باطل است؛ اما اگر در جواب بگویید که اصلاً مرتکب گناه نشند، پس با این همه دروغ‌ها، معصیت‌ها، بی‌حیایی‌ها و نافرمانی‌هایی که از برخی همسران پیامبر ﷺ از جمله عایشه صادر شد، چگونه می‌توان معصوم بودن آن‌ها را پذیرفت؟!

همه‌ی این‌ها سؤالات و اشکالاتی است که علمای وهابی و پیروان مکتب خلافت که ادعای فهم و درک آیات و احادیث را دارند، باید پاسخ‌گوی آن‌ها باشند، که البته پاسخی هم نخواهند داشت!

شأن نزول سوره‌ی مبارک تحریم

بعد از آنکه با استناد به روایات منقول از خود عامه، عدم دخول همسران پیامبر ﷺ در دایره‌ی «اهل بیت» را اثبات کردیم، اکنون نوبت آن رسیده است

۷ که با تمسک و یاری جستن از قرآن کریم، بتوانیم در احقاق حق اهل بیت علیهم السلام،

گامی دیگر برداشته و به مظلومیت این خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، بیش از پیش پی ببریم . برای این منظور ، به تفسیر و تبیین آیات ابتدایی از سوره‌ی مبارک تحریم می‌بردازیم تا معصیت و نافرمانی و احیاناً کفر و ارتداد بعضی از همسران پیامبر صلوات الله علیه و سلام را زبان خود عامه، بیان کنیم .

خداوند متعال می‌فرماید :

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكَ
تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلِلَةً
أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * وَإِذْ أَسَرَ النَّبِيَّ إِلَى
بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدَّيْثًا فَلَمَّا نَبَأْتُ بِهِ وَأَطْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ
وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأْهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَ هَذَا قَالَ نَبَأْنِي
الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ * إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَّتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا
عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجَبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ
ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾^(۱)

به نام خداوند بخشندۀ بخشايشگر * ای پیامبر صلوات الله علیه و سلام ! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، به خاطر جلب رضایت همسرانات، بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است * خداوند راه گشودن سوگندهای تان را [در این گونه موارد] روشن ساخته، و خداوند مولای شماست و او دانا و حکیم است * [به خاطر بیاورید] هنگامی را که پیامبر صلوات الله علیه و سلام یکی از رازهای

۱. سوره تحریم، آیه ۴ - ۱.

۱۳۴ خود را به بعضی از همسران اش گفت؛ ولی هنگامی که وی آن را

افشا کرد و خداوند پیامبر اش ﷺ را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود، هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟!» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا با خبر ساخت!» * اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید [به نفع شما است، زیرا] دل‌های شما از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید، [کاری از پیش نخواهید برد] زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان، پشتیبان او هستند.

همه‌ی مفسرین اعمّ از خاصّه و عامّه، بر این عقیده هستند که سوره‌ی مبارک تحریم، درباره‌ی دو همسر رسول الله ﷺ، یعنی عایشه دختر ابی بکر و حفصه دختر عمر بن خطاب، نازل شده است. برای این منظور به برخی از روایات وارد شده از عامّه در این زمینه، اشاره می‌کنیم:

۱. فخر رازی از مفسران عامّه، می‌گوید:

«قوله تعالى: ﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَعَّبْتُ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾، قوله: ﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ﴾^(۱) خطاب لعائشة و حفصة على طريقة الالتفات؛ ليكون أبلغ في معانتهما. والتوبة من التعاون

علی رسول الله ﷺ بالایذاء^(۱).

در فرمایش خداوند متعال که «اگر شما [همسران پیامبر] از کار خود توبه کنید[یه نفع شماست زیرا] دل های شما از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، [کاری از پیش نخواهید برد] زیرا خداوند یاور او است و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان، پشتیبان او هستند»، مخاطب این بخش از آیه که (اگر شما از کار خود توبه کنید) عایشه و حفصه هستند. [و این سخن که از غایب به مخاطب بر می گردد] بلاغت اش در سرزنش کردن بسیار بیشتر است. و توبه‌ی این دو نفر به خاطر همکاری با یکدیگر در آزار و اذیت رسول الله ﷺ می باشد».

خطابی که در آیه‌ی شریف به کار رفته است، نوعی بلاغت ادبی است، که دارای تأثیر بیشتری می باشد. اگر برفرض، خداوند از همان آغاز سخن، مستقیماً شروع به عتاب و سرزنش آن‌ها می کرد، نتیجه و غرض که همان تأکید و شدت سرزنش است، حاصل نمی شد.

۲. زمخشری یکی دیگر از مفسران بزرگ عame، در این باره چنین می گوید:
 «و تحذير لهم على أغاظ وجه وأشدّ لما في التمثيل من ذكر الكفر»^(۲).

۱. تفسیر رازی، جلد ۳۰، صفحه ۴۴.

۲. بحار الانوار، جلد ۲۲، صفحه ۲۳۴؛ از منابع اهل سنت: تفسیر رازی، جلد ۳۰، صفحه ۴۹.

و تحذیر و عقاب و خطاب آن دونفر (عایشه و حفصه)، به ۱۳۴

غليظ ترين و شدید ترين صورت ممکن، انجام شده است، به خاطر آنچه در تمثيل است که همان ذكر كفر است.

۳. مفسر معروف، ابن عباس می‌گويد:

«لم أزل حريصاً أن أسأل عمر عن المرأةين من أزواج النبي ﷺ اللتين قال الله تعالى: ﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾^(۱)، حتى حجّ عمر وحججتُ معه، فلما كنا ببعض الطريق عدل عمر وعدلت معه بالإداوة، فتبرّز، ثم أتاني فسكتت على يديه، فتوضاً فقلت: يا أمير المؤمنين! من المرأةين من أزواج النبي ﷺ اللتان قال الله عزّوجلّ لهما: ﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾؟ قال عمر: واعجباً لك يا ابن عباس! قال: هي حفصة وعائشة»^(۲).

من از دير زمان حريص بودم که از عمر بن خطاب درباره‌ی اين دو نفر از زنان پيامبر ﷺ، که در قرآن با ضمير از آن‌ها ياد شده است «اگر شما [همسران پيامبر] از کار خود توبه کنيد [به نفع شماست، زيرا] دل‌های شما از حق منحرف گشته است»، سؤال کنم. [این موفقیت حاصل نمی‌شد] تا اینکه عمر برای انجام حج به مکه رفت و من نیز همراه او رفتم. و این زمانی بود که من با او

۱. سورة تحریم، آیه ۴.

۲. از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۹۲؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه‌ی ۹۳؛ الدر المنشور، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۴۲.

رفیق شده بودم. عمر برای قضای حاجت رفت و وقتی برگشت، طرف آبی را برداشت و به دست‌های او ریختم تا وضو بگیرد. سپس به عمر گفتم: آن دو نفر از زنان پیامبر ﷺ که قران درباره آن‌ها می‌گوید: «اگر شما [همسران پیامبر] از کار خود توبه کنید [به نفع شماست، زیرا] دل‌های شما از حق منحرف گشته»، چه کسانی هستند؟ عمر گفت: ابن عباس! از تو تعجب می‌کنم [که این قدر نزدیک پیامبر ﷺ بودی؛ ولی از من سؤال می‌کنی!]. آن دو نفر، عایشه و حفصه هستند.»

۴. انس بن مالک^(۱) می‌گوید:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ كَانَتْ لَهُ أُمَّةٌ يَطُوُّهَا، فَلَمْ تَزُلْ بِهِ عَائِشَةٌ وَحْصَةً حَتَّى حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾^(۲)»^(۳).

همانا رسول الله ﷺ کنیزی داشتند که با او همبستر می‌شدند، عایشه و حفصه، پیامبر ﷺ را در این مورد آنقدر آزار و اذیت

۱. انس بن مالک، از خادمین و اصحاب رسول الله ﷺ بود که به خاطر کتمان واقعه‌ی غدیر، مورد نفرین حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار گرفت و به بیماری بررس مبتلا شد. (معجم رجال الحديث، جلد ۳، صفحه ۲۳۹)

۲. سوره تحریم، آیه ۱.

۳. از منابع اهل سنت: سنن نسائي، جلد ۷، صفحه ۷۱؛ مستدرک حاكم، جلد ۲، صفحه ۴۹۳؛ الدر المنشور، جلد ۶، صفحه ۲۹۳.

کردند تا اینکه ایشان ﷺ، کنیزشان را بر خود حرام کردند [تا ۱۳۴]

موجبات رضایت آن دو نفر را فراهم کنند]، پس خداوند این آیه را نازل کرد: «ای پیامبر ﷺ! چرا چیزی را که خداوند بر تو حلال کرده، به خاطر جلب رضایت همسران ات، بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمر زنده و رحیم است».

۵. طبری^(۱) و بیهقی^(۲) از ابن عباس چنین نقل می‌کنند:

«کانت حفصة وعائشة متحابتين و كانتا زوجتي النبي ﷺ، فذهبت حفصة إلى أبيها، فتحدثت عنده، فأرسل النبي ﷺ إلى جاريته، فظلت معه في بيت حفصة، وكان اليوم الذي يأتيه فيه عائشة، فرجعت حفصة، فوجدتهما في بيتها، فجعلت تنتظر خروجهما، وغارت غيرة شديدة، فأخرج رسول الله ﷺ جاريته، ودخلت حفصة، فقالت: قد رأيت من كان عندك، والله! لقد سئنتى، فقال النبي ﷺ: والله! لأرضينك، فإني مُسرٌ إليك سرًاً فاحفظيه، قالت: ما هو؟ قال ﷺ: إِي أُشهدك أَنَّ سرِّي هذِه عَلَى حِرَامٍ رَضَا لَكَ، وكانت حفصة وعائشة تظاهران على نساء النبي ﷺ فانطلقت حفصة إلى عائشة، فأسررت إليها أن أبشرني أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قد حَرَمَ عَلَيْهِ فَتَاهَ، فلما أخبرت بسرِّ النَّبِيِّ ﷺ، أَظْهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّبِيَّ ﷺ، فأنزل اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ لِمَا تَظَاهَرَ تَعَلَّمَهُ، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ يَا

۱. طبری صاحب کتاب «جامع البیان» و بیهقی صاحب کتاب «السنن الکبری» از مورخان عامه می باشند.
۱۳

أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتٍ أَزْوَاجَكَ وَاللَّهُ
عَفُورٌ رَحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةً أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * وَإِذْ أَسَرَ النَّبِيَّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حِدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ
بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ
قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ * إِنْ تَنْتُوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ
صَغَّتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ
وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ طَهِيرٌ ﴿١١﴾ (۲).

حفصه و عایشه با هم دوست و از همسران پیامبر ﷺ بودند.
روزی، حفصه از خانه‌ی رسول الله ﷺ بیرون آمد و نزد پدرش
رفت و مشغول گفت و گو با او شد. در این هنگام پیامبر ﷺ،
شخصی را به سوی یکی از کنیزان‌شان فرستادند تا او را نزد
ایشان ﷺ بیاورد، پس آن کنیز در خانه‌ی حفصه، با
پیامبر ﷺ باقی ماند؛ در حالی که آن روز، روزی بود که
پیامبر ﷺ طبق معمول به خانه عایشه می‌رفتند، وقتی که
حفصه به خانه‌ی خودش برگشت، پیامبر ﷺ و کنیزاش را در
خانه‌ی خود دید. حفصه متظر ماند تا کنیز از خانه خارج شود، و
به شدت غیرتی شده بود. سپس رسول الله ﷺ، کنیز خود را از
خانه خارج کردند و در این هنگام حفصه وارد خانه شده و به

۱. سوره تحریم، آیه ۴-۱.

۲. جامع البیان، جلد ۲۸، صفحه ۲۰۰؛ السنن الکبری، جلد ۷، صفحه ۳۵۳.

محضر پیامبر ﷺ عرض کرد: من دیدم چه کسی همراه تو بود! ۱۳۴

قسم به خدا! از تو بدی به من رسید! پس رسول الله ﷺ

فرمودند: سوگند به خدا! من تو را راضی می‌کنم! و رازی را به تو

می‌گوییم که باید از آن راز و امانت به خوبی محافظت کنی [و به

کسی نگویی]. حفصه گفت: آن راز چیست؟ پیامبر ﷺ

فرمودند: من تو را شاهد می‌گیرم که این کنیز، به خاطر جلب

رضایت تو، بر من حرام باشد. حفصه و عائشه همیشه خود را از

بقیه‌ی زنان پیامبر ﷺ جدا می‌دیدند. سپس حفصه از

پیامبر ﷺ جدا شد و به نزد عایشه رفت و راز را به او گفت: که

بشارت می‌دهم که همانا رسول الله ﷺ، کنیزشان را بر خودشان

حرام کردند. زمانی که سرّ و راز پیامبر ﷺ فاش شد، خداوند

عزّوجلّ، ایشان ﷺ را از این ماجرا با خبر کرد و این آیات را برابر

ایشان ﷺ نازل فرمود: «ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو

حلال کرده، به خاطر جلب رضایت همسران است، بر خود حرام

می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است * خداوند راه گشودن

سوگندهای تان را [در این گونه موارد] روش ساخته، و خداوند

مولای شماست و او دانا و حکیم است * [به خاطر بیاورید]

هنگامی را که پیامبر ﷺ یکی از رازهای خود را به بعضی از

همسران اش گفت؛ ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند

پیامبر اش ﷺ را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او ۱۵

بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود، هنگامی که پیامبر ﷺ همسراش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟!» فرمود: «خداآند عالم و آگاه مرا با خبر ساخت!» * اگر شما (همسران پیامبر ﷺ) از کار خود توبه کنید [به نفع شما است، زیرا] دل‌های شما از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، [کاری از پیش نخواهید برد] زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان، پشتیبان او هستند».

۶. أنس بن مالك نقل می‌کند:

«إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَنْزَلَ أُمَّ إِبْرَاهِيمَ مُنْزَلَ أُبَيِّ أَيُّوبَ، قَالَتْ عَائِشَةُ : فَدَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ بَيْتَهَا يَوْمًا فَوْجَدَ خَلْوَةً فَأَصَابَهَا فَحَمْلَتْ بِإِبْرَاهِيمَ، قَالَتْ عَائِشَةُ : فَلَمَّا اسْتَبَانَ حَمْلُهَا فَرَعَتْ مِنْ ذَلِكَ، فَمَكَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ حَتَّى وَلَدَتْ، فَلَمْ يَكُنْ لَّامَّهْ لَبِنْ، فَاشْتَرَى لَهُ ضَائِنةً يَغْذِي مِنْهَا الصَّبِيَّ فَصَلَحَ عَلَيْهِ جَسْمَهُ وَحَسْنَ لَحْمِهِ وَصَفَالُونِهِ، فَجَاءَ بِهِ يَوْمًا يَحْمِلُهُ عَلَى عَنْقِهِ، فَقَالَ ﷺ : يَا عَائِشَةً! كَيْفَ تُرِي الشَّبَهَ؟ قَوْلَتْ : أَنَا غَيْرِيْ مَا أَدْرِي شَبَهًا، فَقَالَ ﷺ : وَلَا بِاللَّحْمِ؟ قَوْلَتْ : لَعْمَرِي! لَمْ تَغْذِي بِالْبَانِ الضَّأْنَ لِيَحْسِنَ لَحْمَهُ، قَالَ : فَجَزَعَتْ عَائِشَةٌ وَحَفْصَةٌ مِنْ ذَلِكَ، فَعَاتَبَهُنَّ حَفْصَةٌ فَحَرَّمَهَا وَأَسْرَ إِلَيْهَا سَرًا فَأَفْشَتَهُ إِلَيْ عَائِشَةَ، فَنَزَلتْ آيَةُ التَّحْرِيمِ وَأَعْتَقَ رَسُولُ اللهِ ﷺ رَقْبَةً»^(۱).

رسول خدا ﷺ، ام ابراهیم (ماریه قبطیه) را در منزل أبو ایوب ۱۳۴
جای دادند (شاید به دلیل اینکه در منزل خود جای مناسبی
نداشتند و شاید از ترس بقیه همسرانشان) عائشه می‌گوید:
پیامبر ﷺ روزی وارد اتاق او شدند و آن‌جا را خلوت یافتند و با
ماریه قبطیه همبستر شدند و او به ابراهیم حامله شد. عائشه
می‌گوید: زمانی که حاملگی ماریه مشخص شد، از این موضوع
ناراحت شدم. رسول الله ﷺ در نگ نمودند تا اینکه ماریه بچه
دار شد و چون شیر نداشت، حضرت ﷺ برای او گوسفندی
خریدند تا فرزند او از شیر آن تغذیه کند، پس جسم ابراهیم با آن
شیر نیرومند شد و رشد کرد و رنگ او نیکو شد، روزی پیغمبر
خدا ﷺ در حالی که ابراهیم را بروش مبارک خویش سوار
کرده بودند، تشریف آوردن و فرمودند: ای عائشه! آیا ابراهیم
شبیه من هست؟ عرض کردم: (در حالی که غیرتی شده و عصبانی
بودم) من شباهتی بین او و شما نمی‌یابم، ایشان ﷺ فرمودند:
حتی در گوشت و پوست؟ عرض کردم: به جانم قسم! کسی که با
شیر گوسفند تغذیه کند، گوشت او نیکومی گردد. عائشه و حفصه
از این مطلب بسیار ناراحت شدند، پس حفصه، رسول
خدا ﷺ را سرزنش نمود و ایشان ﷺ ماریه را بر خود حرام
نمودند و حفصه هم آن سری را که پیامبر به او گفته بودند، برای
عائشه افشاء کرد، پس آیه‌ی تحریم نازل شد، و رسول خدا ﷺ
بردهای آزاد نمودند.

بررسی روایت

پیامبر اسلام ﷺ پس از آنکه در مدینه منوره نزول اجلال فرمودند، نامه‌ای برای پادشاهان اطراف و اکناف نوشتند. از جمله‌ی این نامه‌ها، نامه‌ای بود که حضرت ﷺ برای پادشاه مصر نوشتند و اورابه اسلام دعوت نمودند. پادشاه مصر که انسان فهیمی بود و از دین حضرت عیسیٰ پیرروی می‌کرد، با احترام نامه‌ی حضرت ﷺ را تحويل گرفت و هدایایی برای ایشان ﷺ فرستاد. در میان این هدایا، شاهزاده‌ای زیبارو و محترم بود که «ماریه» نام داشت و در بین راه قبیل از رسیدن به مدینه به وسیله‌ی «حاطب بن أبي بلتعه» به دین اسلام گروید. رسول خدا ﷺ اورابه ازدواج خود در آوردند و بر سایر همسران خود ترجیح داده و بسیار دوست می‌داشتند^(۱).

نکته‌ای که در اینجا به مناسبت ذکر می‌کنیم، آن است که رعایت عدالت در میان همسران که مورد سفارش قرآن کریم هم می‌باشد، به معنای مساوات و برابری میان آن‌ها در همه شرایط نمی‌باشد. به عنوان مثال، عدالت به معنای مساوات را بین یک خانم هفتاد ساله و یک خانم بیست ساله، هیچ انسان عاقلی قبول نمی‌کند. بنابراین، عدالت بین همسران تابع معیارهای مختلفی از جمله سن می‌باشد و در فقه هم این مطلب ثابت شده است.

عائشه و حفصه به تصریح منابع اهل سنت آن قدر رسول الله ﷺ را در مورد ماریه قبطیه آزار و اذیت کردند که آن حضرت ﷺ، ماریه را برابر خود حرام نمودند.

ماجرای ماریه قبطیه و رفتار سایر همسران پیامبر ﷺ با او طولانی است، که ۱۳۴ در آینده در مورد آن بحث خواهیم نمود. به اختصار باید گفت که، داستان و آیه‌ی «إِفْكٌ» که در مورد اتهام یکی از همسران پیامبر ﷺ به ارتکاب عمل منافي عفت می‌باشد به نظر شیعه، در مورد «ماریه قبطیه» است. هر چند اهل تسنن سعی نموده‌اند آن را در مورد عائشه قلمداد کنند. این تهمت زندگان هم چهار نفر بودند: عائشه و حفصه و پدران آن‌ها.

علی بن ابراهیم^(۱) از زاره نقل می‌کند که او گفت:

«لَمَّا ماتَ إِبْرَاهِيمَ أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ حَزَنَ عَلَيْهِ حَزْنًا شَدِيدًا، فَقَالَتْ عَائِشَةُ: مَا الَّذِي يَحْزُنُكَ عَلَيْهِ، فَمَا هُوَ إِلَّا بْنُ جَرِيحٍ؟! فَبَعْثَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ عَلَيْهِ أَمْرًا وَأَمْرَهُ بَقْتَلَهُ؛ فَذَهَبَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ وَمَعَ السِيفِ وَكَانَ جَرِيحُ الْقَبْطِيِّ فِي حَائِطٍ وَضَرَبَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ بَابَ الْبَسْتَانِ، فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ جَرِيحٌ لِيَفْتَحَ لَهُ الْبَابُ، فَلَمَّا رَأَى عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَرَفَ فِي وَجْهِهِ الْغَضَبَ، فَأَدْبَرَ رَاجِعًا وَلَمْ يَفْتَحْ الْبَابَ، فَوَثَبَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَى الْحَائِطِ وَنَزَلَ إِلَى الْبَسْتَانِ وَاتَّبَعَهُ وَوَلََّ جَرِيحَ مَدْبِرًا، فَلَمَّا خَشِنَ أَنْ يَرَهُ قَهْرَمَانٍ صَدَعَ فِي نَخْلَةٍ وَصَدَعَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ فِي أَثْرِهِ، فَلَمَّا دَنَاهُ مِنْهُ رَمَى بِنَفْسِهِ مِنْ فَوْقِ النَّخْلَةِ فَبَدَتْ عُورَتُهُ، فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَا لِلرِّجَالِ وَلَا مَا لِلنِّسَاءِ، فَانْصَرَفَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ! إِذَا بَعْثَنِي فِي الْأَمْرِ أَكُونُ فِيهِ كَالْمَسْمَارِ الْمَحْمَى فِي الْوَتَرِ أَمْ أَثْبَتُ؟ قَالَ: فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ: لَا، بَلْ أَثْبَتُ، فَقَالَ عَلَيْهِ: وَالَّذِي بَعْثَكَ بِالْحَقِّ، مَا لَهُ مَا

للرجال ولا ما للنساء؛ فقال رسول الله ﷺ : الحمد لله الذي يصرف عنا السوء أهل البيت^(۱).

زمانی که ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ از دنیا رفت حزن و اندوه فراوانی ایشان ﷺ را فراگرفت^(۲). عایشه به محضر پیامبر ﷺ عرض کرد: برای چه ناراحت هستید او فرزند جریح (غلام ماریه) است، نه فرزند شما. رسول الله ﷺ، حضرت امیرالمؤمنین علی عاشیل را فرستادند و ایشان عاشیل را امر به قتل جریح نمودند. آن حضرت عاشیل نیز در حالی که شمشیری همراه خود داشتند به سوی جریح حرکت کردند. جریح قبطی در باغ بود، حضرت امیرالمؤمنین عاشیل در باغ را کوییدند، جریح به سوی در آمد تا در را باز کند؛ اما هنگامی که حضرت عاشیل را خشمگین و عصیانی دید، برگشت و در را باز نکرد. آن حضرت عاشیل از دیوار بالا رفتند و وارد باغ شدند و جریح را که در حال فرار بود دنبال کردند. او که ترسیده بود از درخت خرمایی بالا رفت و حضرت عاشیل نیز او را دنبال کردند و وقتی به او نزدیک شدند، او خودش را از بالای درخت به پایین انداخت و ناگهان عورت او پدیدار شد، که نه آلت مردانه داشت و نه آلت زنانه. حضرت

۱. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ۹۹؛ تفسیر العیزان، جلد ۱۵، صفحه ۱۰۳.

۲. پیامبر ﷺ در مرگ ابراهیم بسیار گریه کردند و اشک ریختند و می فرمودند: قلب

می سوزد؛ اما سخنی که خدا را به غضب بیاورد به زبان نمی آوریم. دلیل جواز گریه در

مرگ عزیزان، همین عمل رسول خدا ﷺ است.

امیرالمؤمنین علی علیہ السلام به سوی پیامبر ﷺ برگشتند و عرض ۱۳۴ کردند: ای رسول خدا ﷺ! مرا میفرستی که مانند آهن گداخته‌ای، حکم راجاری کنم یا آنکه از حقیقت مطلب بازرسی کنم؟ ایشان ﷺ فرمودند: نه، نخست بازجویی کن! آن حضرت علی علیہ السلام عرض کردند: قسم به خدایی که تو را به حق مبوعث کرد! او نه آلت مردانه داشت و نه آلت زنانه. رسول الله ﷺ فرمودند: سپاس خدایی را که پلیدی و زشتی را از ما اهل بیت دور کرد.

جريح، خادم ماریه قبطیه بود، که همراه او به مدینه آمده بود و طبق سنتی که در آن زمان در جزیره العرب و شمال آفریقا معمول بود، خواجه و مقطوع النسل بود؛ - البته این سنت در زمان قاجار نیز رواج داشته است - . وظیفه‌ی او حفظ و نگهداری و تربیت ماریه بوده است. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام، جريح را دیدند که به ماریه می‌گفت:

«أعظمي رسول الله ﷺ وكنيه وأكر ميه و نحو من هذا الكلام»^(۱).

رسول خدا ﷺ را تعظیم و احترام نما و از ایشان با عظمت و احترام یاد کن و کنیه‌ی ایشان ﷺ را صدابزن و مانند این سخنان.

هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام جريح را خنثی یافتند، او را به محضر رسول الله ﷺ آوردند و ماجرا را برای ایشان ﷺ نقل کردند. حضرت ﷺ

روی مبارک خود را به طرف دیوار نمودند و به جریح فرمودند :

«حلّ لهم - يا جريح - واكتشف عن نفسك حتى يتبيّن كذبها،
ويحهم ! ما أجرأهما على الله وعلى رسوله ﷺ . فكشف جريح عن
أثوابه ، فإذا هو خادم ممسوح كما وصف . فسقطا بين يدي رسول
الله ﷺ وقالا : يا رسول الله ﷺ ! التوبة استغفر لنا فلن نعود .
فقال رسول الله ﷺ : لا تاب الله ﷺ عليكما ، فما ينفعكم استغفاري
ومعكم ما هذه الجرأة على الله وعلى رسوله ﷺ ؟ قالا : يا رسول
الله ﷺ ! فإن استغفرت لنا رجونا أن يغفر لنا ربنا . وأنزل الله الآية
بهم وفي براءة مارية : ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ
الْمُؤْمِنَاتِ لَعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَشَهُّدُ
عَلَيْهِمُ الْسَّيِّئَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۱) ^(۲) .

ای جریح ! عورت خود را برای این دونفر (عائشه و حفصه)
آشکار کن تاکذب این دو آشکار شود . وای برآن دو ! چه چیزی به
خدا و رسول او ﷺ نسبت دادند ! جريح لباس های خود را در
آورد و همان طور که حضرت امیرالمؤمنین علی عاشیلا فرموده
بودند ، خادمی بدون آلت مردانه و زنانه بود . پس آن دوندر پیشگاه
رسول خدا ﷺ به خاک افتادند و عرض کردند : يا رسول
الله ﷺ ما توبه کردیم ، برای ما استغفار کن ، که ما دیگر هرگز

۱. سوره نور ، آیه ۲۴ و ۲۳ .

۲. دلائل الإمامة ، صفحه ۳۸۷ : الهداية الكبرى ، صفحه ۲۹۸ .

خطا و اشتباه نمی‌کنیم. رسول خدا ﷺ فرمودند: خدا توبه‌ی

۱۳۴ شما را نپذیرد! با این جرأتی که شما بر خدا و رسول اش ﷺ روا
داشتید استغفار من برای شما سودی ندارد. عرض کردند: یا
رسول الله ﷺ! اگر برای ما استغفار کنید، امید است که خدا ما را
ببخشد و خداوند متعال آیه‌ای در مورد آنها و در برائت و
بی‌گناهی ماریه نازل کرد: «کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر (از
هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از
رحمت الهی به دوراند و عذاب بزرگی برای آنهاست* در آن روز
زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب
می‌شدنند گواهی می‌دهد».

پیامبر گرامی اسلام ﷺ، ماریه را به دلیل آزار و اذیت‌های فراوان عائشه و
حصه به بیرون از مدینه در محلی نزدیک قبا، به نام «مشربه ام ابراهیم» اسکان
داده بودند. و ماریه در آن جا غافل از تمام توطئه‌ها و فتنه‌های این دو نفر بود.

روایت فوق و اشیاه آن دلالت می‌کنند بر اینکه عائشه و حفصه، وقتی از آزار و
اذیت نتیجه نگرفتند، در صدد تهمت زدن به ماریه برآمدند، و رسول خدا ﷺ نیز برای اینکه از او دفع تهمت بنمایند، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به آن
مأموریت فرستادند.

اما در مورد اینکه چرا رسول الله ﷺ بر عائشه و حفصه حد قذف جاری
نکردند، با این‌که این دونفر یک زن پاکدامن را مورد تهمت قرار داده بودند و خداوند
متعال او را تطهیر کرده بود، پاسخ آن است که تعطیل حدود در زمان پیامبر ﷺ

بی سابقه نیست؛ چنانچه ایشان ﷺ، خالد بن ولید را، که بدون بررسی و به بهانهٔ خودداری از پرداخت زکات، عده‌ای را کشته بود، مجازات ننمودند^(۱).

همچنین در واقعهٔ لیلهٔ عقبه، که ده نفر هم قسم شدند پیامبر ﷺ را به قتل برسانند و ایشان ﷺ هم آن‌ها را می‌شناختند ولی از کشتن آن‌ها خودداری نمودند و وقتی عمار و حذیفه نزد آن حضرت ﷺ آمدند و عرض کردند:

«یا رسول الله ﷺ! أَفَلَا تَأْمُرُ بِقتلهم؟»

یا رسول الله ﷺ! آیا به کشتن آنها امر نمی‌فرمایید؟

در جواب آن‌ها فرمودند:

«أَكْرَهُ أَنْ يَتَحَدَّثَ النَّاسُ أَنْ مُحَمَّدًا ﷺ يَقْتُلُ أَصْحَابَهِ»^(۲).

نمی‌خواهم مردم بگویند، که محمد ﷺ اصحاب و یارانش را به قتل می‌رساند.

این رفتار رسول الله ﷺ برای تمام قدرت‌های جهان درسی است، که پس از به قدرت رسیدن خود، هر چند ذی حق باشند، اما گذشت و عفو را سر لوحهٔ برنامه‌ی خود قرار بدهند.

در مورد عبدالله بن ابی نیز که از منافقین بود، حضرت ﷺ از کشتن او خودداری کردند و فرمودند:

«لَا، يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنْ مُحَمَّدًا ﷺ يَقْتُلُ أَصْحَابَهِ»^(۳).

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۱، صفحه ۱۴۲؛ از منابع اهل سنت: المحلی ابن حزم، جلد ۸، صفحه ۱۶۶.

۲. از منابع اهل سنت: البداية والنهاية، جلد ۵، صفحه ۲۵.

۳. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۶۶؛ مسند أحمد، جلد ۳، صفحه ۳۹۳؛ صحیح مسلم، جلد ۸، صفحه ۱۹.

نه، نمی‌خواهم مردم بگویند که محمد ﷺ اصحاب و یاران اش ۱۳۴ را می‌کشد.

اما مسلم‌کسانی که این جنایات را مرتکب شدند، در همین دنیا جزای شان را خواهند دید.

عبدالرحیم قصیر^(۱) می‌گوید: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اما، لو قد قام قائمنا علیه السلام لنقدر دست ایلیه الحمیراء حتی یجلدها الحد،
وهو ینتقم لاممه فاطمة علیها السلام منها، قلت: جعلت فداك! ولم تجلد الحد؟
قال: لفريتها على ام إبراهيم، قلت: فكيف أخره الله عزوجل
للقائم علیه السلام؟ قال: إن الله بعث محمداً صلی اللہ علیہ وسلم رحمةً ویبعث القائم علیه السلام
نقمةً»^(۲).

آگاه باشید! اگر قائم ما قیام کند، حمیراء (لقب عایشه) را به دست ایشان علیه السلام می‌سپارند تا بر او حد جاری کند و انتقام دختر رسول خدا ﷺ حضرت فاطمه علیها السلام را از او بگیرد. عرض کرد: فدایت شوم! چرا بر او حد جاری می‌نمایند؟ حضرت علیه السلام فرمودند: برای افتراء و بهتانی که به ام ابراهیم زد. عرض کرد: چطور حق تعالیٰ حد را تأخیر اندادته و آن را به دست حضرت قائم علیه السلام جاری می‌کند؟ ایشان علیه السلام فرمودند: زیرا خداوند تبارک

۱. وی از اصحاب حضرت امام صادق ﷺ بود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام را نیز درک نمود (معجم رجال الحديث، جلد ۱۰، صفحه ۱۰).

۲. علل الشرایع، جلد ۲، صفحه ۵۸؛ محسن برقی، جلد ۲، صفحه ۳۹۹.

و تعالى حضرت محمد ﷺ را براى رحمت مبعوث داشت و
حضرت قائم علیه السلام را براى نقمت و عذاب برانگیخت.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمایند :

«فيحييهم بإذن الله تعالى ويأمر الخلائق بالاجتماع، ثم يقص عليهم
قصص فعالهم في كل كور و دور حتى يقص عليهم قتل هابيل بن
آدم عليهما السلام وجمع النار لإبراهيم عليهما السلام وطرح يوسف عليهما السلام في الجبّ
وحبس يونس عليهما السلام في الحوت وقتل يحيى عليهما السلام وصلب عيسى عليهما السلام
وعذاب جرجيس ودانيل عليهما السلام وضرب سلمان الفارسي وإشعال النار
على باب أمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين عليهما السلام لحراقهم
بها وضرب يد الصديقة الكبرى فاطمة عليهما السلام بالسوط ورفس بطنها
وإسقاطها محسناً وسم الحسن عليهما السلام وقتل الحسين عليهما السلام وذبح أطفاله
وبني عمّه وأنصاره وبسي ذماري رسول الله عليهما السلام وإراقة دماء آل
محمد عليهما السلام وكل دم سفك وكل فرج نكح حراماً وكل رين وخبث
وفاحشة وإثم وظلم وجور وغشم منذ عهد آدم عليهما السلام إلى وقت قيام
قائمنا عليهما السلام. كل ذلك يعدهم عليهما، ويلزمها إياه، فيعترفان به ثم
يأمر بهما فيقتضي منهما في ذلك الوقت بمظالم من حضر، ثم يصلبهما
على الشجرة ويأمر ناراً تخرج من الأرض، فتحرقهما والشجرة، ثم
يأمر ريحًا فتنسفهما في اليمّ نسفاً. قال المفضل: يا سيدي ذلك آخر
عذابهما؟ قال عليهما السلام: هيئات يا مفضل! والله! ليمردّن ولريحهنّ السيد
الأكبر محمد رسول الله عليهما السلام والصديق الأكبر أمير المؤمنين وفاطمة

والحسن والحسين والأئمّة عليهم السلام وكلّ من محض الإيمان محضاً أو محض الكفر محضاً، ولি�قتصرّ منها لجميعهم حتّى أنّهم ليفتلّون في كلّ يوم وليلة ألف قتلة ويردّن إلى ما شاء ربّهما^(۱).

پس حضرت قائم عليه السلام آن دو (عمر و ابوبکر) را به امر خداوند متعال زنده می‌گردانند و دستور می‌دهند همه مردم جمع شوند، سپس اعمال آنها را در هر دوره و برهه‌ای از تاریخ شرح می‌دهند. تا آنکه داستان کشته شدن هابیل فرزند آدم عليه السلام و برافروختن آتش برای ابراهیم عليه السلام و انداختن یوسف عليه السلام در چاه و زندانی شدن یونس عليه السلام در شکم ماهی و قتل یحیی عليه السلام و به دار کشیدن عیسی عليه السلام و شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیغمبر عليه السلام و زدن سلمان فارسی و آتش زدن در خانه‌ی حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه زهراء و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین عليهم السلام و تازیانه زدن به بازوی صدیقه‌ی کبری حضرت فاطمه زهراء عليه السلام و زدن در به پهلوی ایشان عليه السلام و سقط شدن محسن فرزند ایشان عليه السلام و سم دادن به حضرت امام حسن عليه السلام و کشن حضرت امام حسین عليه السلام و اطفال و عموزادگان و یاوران آن حضرت عليه السلام و اسیر کردن فرزندان پیغمبر عليه السلام و ریختن خون آل محمد عليهم السلام و هر خونی که به نا حق ریخته شده و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و هر خیانت و عمل زشت و گناه و ظلم و

ستم، که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا موقع قیام حضرت قائم علیه السلام از بنی آدم سر زده است، همه و همه را به گردن اولی و دومنی اندادته و بر آنها ثابت گردانیده و ملزم میگردانند و آنها هم اعتراف میکنند. آنگاه آن حضرت علیه السلام دستور می دهند هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند، آنها هم قصاص می کنند؛ سپس آنها را ب درخت به دار می کشند و امر می کنند آتشی از زمین بیرون آمده و آنها را با درخت می سوزاند. آنگاه به باد دستور می دهند تا خاکستر آنها را به آب دریاها پاشد. مفضل عرض کرد: آقا جان! این آخر عذاب آنها است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: نهای مفضل! به خدا قسم! فردای قیامت هر مؤمن و کافری به صحرای محسوس می آید و آقای بزرگ رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلام و صدیق اکبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام و ائمه ای اطهار علیهم السلام نیز حاضر می شوند و همه آنها از آن دو نفر قصاص می کنند، تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می کشند و باز به امر خدا به صورت اول باز می گردانند تا باز عذاب شوند، تا هر زمان که خدا اراده کند.

از مباحثی که مطرح گردید، این سؤال به ذهن خطور می کند: آیا افرادی که به اقرار بزرگان اهل سنت، پیامبر خدا صلوات الله عليه و آله و سلام را آزار و اذیت نمودند و در مقام نبوت ۲۸ ایشان صلوات الله عليه و آله و سلام تشکیک می کردند و خطاب به ایشان صلوات الله عليه و آله و سلام که عالم به غیب و اسرار

الهی است عرضه می‌داشتند : من أَنْبَأْكَ بِهَذَا ؟ و سرایشان ﷺ را افشاء ۱۳۴
می‌نمودند و از مرتبه‌ی ایمان ساقط شدند و به رسول خدا ﷺ خیانت کردند .
چنانچه زمخشری می‌گوید :

« إِنَّا هُوَ ذُكْرُ جَنَاحَةٍ حَفْصَةٍ فِي وُجُودِ الْإِنْبَاءِ بِهِ وَافْشَاءِهِ مِنْ قَبْلِهَا »^(۱) .

همانا جنایت حفصه در افسای سرپیامبر ﷺ ذکر شده است .

رامی توان مشمول آیه‌ی تطهیر دانست ؟!

« السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی

- ۱ اشکالات دخول همه‌ی مردان وزنان خاندان پیامبر ﷺ، در «اهل بیت»، کدام‌اند؟
- ۲ عایشه برای جعل فضیلت و محبوب نشان دادن خودش نزد پیامبر ﷺ، دست به چه اقداماتی زد؟
- ۳ با توجه به نظر عامه و خاصه، شأن نزول سوره‌ی مبارک تحریم، چیست؟
- ۴ فخر رازی و زمخشri در مورد نوع خطاب قرآن، نسبت به دو همسر پیامبر ﷺ چه می‌گویند؟
- ۵ پاسخ عمر بن خطاب به سؤال ابن عباس، مبني بر تعیین مخاطبین آيه‌ی چهار از سوره‌ی مبارک تحریم چه بود؟
- ۶ بنا به نقل منابع عامه، چرا پیامبر ﷺ، کنیزشان را بر خودشان حرام کردند؟
- ۷ رسول الله ﷺ، چگونه از افشاری سر خودشان توسط حفصه، مطلع شدند؟
- ۸ منظور از رعایت عدالت در میان همسران، که مورد سفارش قرآن کریم می‌باشد، چیست؟
- ۹ رسول الله ﷺ، برای دفع تهمت از ماریه قبطیه، چه اقدامی نمودند؟
- ۱۰ امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، چه کسانی را به خصوص مجازات می‌نمایند؟

جوابات

از همه مهم تر، این سؤال مطرح است که اگر شما پیروان مکتب اموی، قائل به دخول افراد دیگری غیر از پنج تن علیهم السلام، در دایره‌ی «اهل بيت» هستید و ادعای زایل شدن نجاست، پلیدی و گناه آن هارا دارید و نیز عصمت و تطهیر دل های آن ها را ینکه سراسر و جو شان نسوز است، در عقایدتان، نهفته است، با این وجود آیین افراد (اعم از مردان وزنان بیگانه)، تا پایان عمر شان مرتكب هیچ لغزش و گناهی نشند؟! اگر جواب تان این باشد که گناه کرد هاند، پس این اعتراض با آن تفسیر واستظهاری که از «آیه‌ی تطهیر» کرده اید، مغایرت دارد و نظر شما مبنی بر اذهاب رجس و طهارت کامل این افراد، پوچ و باطل است؛ اما اگر در جواب بگویید که اصل امر تکب گناه نشند، پس با این همه دروغ ها، معصیت ها، بی حسابی ها و نافرمانی هایی که از برخی همسران پیامبر صلوات الله علیه و سلام از جمله عایشه صادر شد، چگونه می توان مقصوم بودن آن ها پذیرفت؟!

(صفحه ۱۷ از همین جزو)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتداي خيابان امام، جنب قائمه، فروشگاه آواي مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه(SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن

همراه خود یا دوستانتان را باتام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی صلوات الله علیه و سلام

تلفن: ۴۴۴۹۹۳۳ - ۴۴۴۴۳۴۳ نمبر: ۴۴۵۲۷۷

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir